درمکتب امام

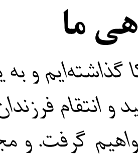

بهای اسلام‌خواهی ما

ما همه این جنایت‌ها را به حساب آمریکا گذاشته‌ایم و به یاری خدا و در موقع مناسب به حساب آنان خواهیم رسید و انتقام فرزندان ابراهیم را از «نمرود»ها و «شیاطین» و «قارون»ها خواهیم گرفت. و مجدداً تأکید می کنم که اینها بهای گران حاکمیت نه شـرقی و نه غربی و استقلال و آزادی و اسلام خواهی ماست.

صحیفه امام؛ ج۲۰؛ ص۳۵۱ | جماران؛ ۱۲ مرداد ۱۳۶۶

عیادت نماینده رهبر انقلاب از آیت‌الله شبیری زنجانی

رئیس دفتر مقام معظم رهبری در قم با اشاره به عیادت خود از حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی، توضیحاتی درباره وضعیت جسمانی و روند درمان این مرجع تقلید ارائه کرد.

آیت‌الله محمود محمدی عراقی با حضور در یکی از بیمارستان‌های قم، از حضرت آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی عیادت کرد و در جریان آخرین وضعیت جسمانی این مرجع تقلید قرار گرفت.

وی پس از این دیدار در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار کرد: حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی از مراجع بزرگوار تقلید هستند و از جانب مقام معظم رهبری، مأموریت یافتیم که هرچه زودتر برای عیادت خدمت ایشان برسیم.

آیت‌الله محمدی عراقی افزود: به‌صورت مستقیم آخرین شرایط و وضعیت ایشان را از پزشک معالج جویا شدم.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری در قم با اشاره به وضعیت جسمانی حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی گفت: بر اساس توضیحات پزشک معالج، مشکل اصلی ایشان در حال حاضر عفونت ریه است و متأسفانه این عفونت شدید است.

به گزارش رسا، آیت‌الله محمدی عراقی درباره احتمال انتقال این مرجع تقلید به تهران نیز اظهار کرد: موضوع انتقال ایشان به تهران را مطرح کردیم، اما نظر متخصصان این اسـت که انتقال ریسک بالایی دارد و معتقدند تمام مراحل درمانی مورد نیاز در بیمارستان قم در حال انجام است.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری در قم ادامه داد: بر اساس نظر پزشکان، در تهران اقدام درمانی دیگری که در اینجا انجام می‌شود، وجود ندارد و در حال حاضر بالاترین متخصصان در روند درمان ایشان حضور دارند.

وی همچنین از پیگیری برای اسـتفاده از ظرفیت متخصصان تهران خبر داد و گفت: با وزیر بهداشت تماس خواهم گرفت تا با توجه به نظر پزشکان که انتقال ایشان را به مصلحت نمی‌دانند، در صورت ضرورت، تیمی از تهران برای اطمینان بیشتر اعزام شوند تا ایشان را معاینه کنند.

آیت‌الله محمـدی عراقی در پایان با تأکید بر اهمیت دعا برای بهبودی حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی خاطرنشان کرد: امیدواریم به دعای مردم، خداوند بر ما منت بگذارد و هرچه زودتر حال ایشان بهتر شود و همه خوشحال شویم.

۱۷ هزار دانشجوی جهادی پای کار محرومان

رضا غلامزاده، معاون عملیات جهادی سـازمان بسیج دانشجویی، به تشریح اقدامات دانشجویان جهادگر در ماه‌های پس از جنگ و فعالیت‌های تابستانی پرداخت.

در شـرایط جنگی، بسیج دانشـجویی برای کمک به کشور و پشتیبانی از مردم پای کار آمده و با بهره‌گیری از ظرفیت گروه‌های جهادی و شـبکه دانشـجویی، در عرصه‌های مختلف خدمت‌رسـانی و حمایت از مردم حضور یافته است. این مجموعه همچنین تلاش کرده است ظرفیت‌های دانشجویی را برای مواجهه با شرایط بحرانی و تهدیدهای احتمالی حفظ و تقویت کند

در همین راسـتا، به سـراغ رضا غلامزاده، معاون عملیات جهادی سازمان بسیج دانشـجویی، رفتیم و در گفت‌وگو با وی در خبرگزاری فارس، درباره آمادگی شـبکه دانشجویی برای شرایط جنگی، نقش دانشجویان در تجمعات شبانه، فعالیت‌های جهادی در مناطق مختلف کشـور و برنامه‌های راهیان نور جنوب و غرب کشـور به گفت‌وگو پرداختیم. غلامزاده گفت: ما هر سال شاهد برگزاری یک‌سری اردوهای جهادی از سوی بسیج هستیم. امسال با توجه به نبرد با استکبار جهانی و جنگ ۴۰ روزه‌ای که پشت سر گذاشـتیم، همه فعالیت‌هایی که دانشجویان و گروه‌های جهادی انجام می‌دهند، رنگ و بوی جنگ دارد و تلاش می‌کنیم این رویکرد را در اردوها بیشتر کنیم تا آمادگی بیشتری در میان مردم ایجاد شود.

وی افزود: تقریباً می‌توان گفت امسال برنامه‌ریزی انجام شده و دانشجویان مشغول فعالیت هسـتند و قرار است حدود ۲۰ هزار نفر دانشجو در اردوهای جهادی شرکت کنند. این اردوها در سراسر کشور و در همه استان‌ها در حال برگزاری است و حدود ۹۰۰ تا هزار گروه جهادی و دانشگاهی در این حرکت مشارکت دارند.

معاون عملیات جهادی سـازمان بسـیج دانشـجویی ادامه داد: این فعالیت‌ها تا زمان بازگشـایی دانشـگاه‌ها و آغاز سال تحصیلی ادامه خواهد داشـت. این اردوها به صورت «هجرت» برگزار می‌شـود؛ به این معنا که گروه‌ها از یک اسـتان یا مرکز استان به شهرستان‌های کم‌برخوردار هجرت می‌کنند و در آن مناطق به ارائه خدمت می‌پردازند. یکی از اقداماتی که در همین الگو و با توجه به فصل و شـرایطی که در آن قرار گرفته‌ایم، برنامه‌ریزی شـده، حضور دانشجویان در تعدادی از شهرستان‌های حساس کشور است. تقریباً ۱۴ استان در حال فعالیت در حدود هفت تا هشت شهرستان حساس کشور هستند.

غلامزاده اظهار داشـت: شهرستان‌هایی مانند جاسک، چابهار، کنارک و میناب از جمله مناطقی هستند که این برنامه در آنها در حال اجراست. استان‌ها ظرفیت‌های خود را به این مناطق برده‌اند و دانشجویان در کنار مردم آن مناطق حضور پیدا کرده‌اند تا بتوانند بخشی از خسارت‌هایی را که در برخی نقاط اتفاق افتاده جبران کنند، بازنمایی امیدی در آنجا داشته باشند و پیامی را به جهانیان منتقل کنند که ما در همان جایی که ضربه خورده‌ایم، ایستاده‌ایم و از همین نقطه نیز مقاومت می‌کنیم.خدمت در همین نقطه و در کنار رزمندگانی است که در این مناطق مقاومت می‌کنند. ما نیز در کنار آنها ایستاده‌ایم و خدمت و مقاومت دو امر درهم‌تنیده و در یک راستا هستند. در استان‌های مختلف، به‌ویژه در شهرسـتان‌های نوار جنوبی کشور و بخشی از نوار غربی کشور که حساسـیت بالاتری دارند یا به حضور دانشجویان نیاز بیشتری دارند، این اتفاق افتاده است. فعالیت گروه‌های جهادی حدود دو ماه گذشته آغاز شده و ان‌شاءالله تا بازگشایی دانشگاه‌ها و تقریباً نیمه مهرماه ادامه خواهد داشت.

وی در پاسخ به این سؤال که «چه تعداد دانشجو و دانشگاه در اردوهای جهادی امسال فعال هستند؟» گفت: تقریباً بر اساس آماری که تا الان داریم، حدود ۹۰۰ دانشگاه در تابسـتان فعالیت جهادی داشته‌اند و حدود ۱۶ تا ۱۷ هزار نفر دانشجو تاکنون در اردوهای جهادی شرکت کرده‌اند. هدف ما حضور حدود ۲۱ تا ۲۲ هزار دانشجو است و تقریباً فکر می‌کنیم تا پایان این برنامه بتوانیم به این هدف برسیم. بنابراین، تا این مرحله حدود ۱۶ تا ۱۷ هزار دانشجو و ۹۰۰ دانشگاه در حرکت جهادی فعالیت داشته‌اند.

غلامزاده ادامه داد: همان‌طور که اشاره کردم، تقریباً در هفت تا هشت شهرستان کشـور شرایط مقداری حساس‌تر است و وظیفه خودمان دانستیم که در این مناطق حضور بهتر و میدانی‌تری داشته باشیم و در کنار مردم و رزمندگانی که در آنجا حضور دارند، فعالیت کنیم. وی بیان داشت: تعدادی از شهرستان‌های نوار جنوبی و تعدادی از شهرسـتان‌های نوار غربی کشـور که مورد تعرض قرار گرفته‌اند و اتفاقاتی در آنها افتاده و مردم در آن مناطق آسیب دیده‌اند، در این برنامه قرار دارند. رزمندگان ما نیز در این مناطق حضور دارند و مشـغول فعالیت هستند. ما تلاش کردیم تمرکزی را از استان‌های مختلف خودمان به این مناطق داشته باشیم. تقریباً ۱۴ استان در این هفت تا هشت شهرسـتان فعالیت می‌کنند و در عرصه‌های مختلف خدمات ارائه می‌دهند و در کنار مردم هستند.

غلامزاده افزود: این پیام در این مناطق منتقل می‌شود که ما باید دقیقاً در همان نقطه‌ای که اتفاق افتاده، بایستیم. این حرکت به نوعی یک کار ملی و شبکه دانشجویی در جنوب و غرب کشور است که در این شهرستان‌ها ایستاده و همه شبکه خود را فراخوانده است تا در کنار خدمات عمومی که در مناطق کم‌برخوردار استان خود یا استان‌های همجوار ارائه می‌کنند، در این مناطق نیز حضور داشته باشند و خدمات ارائه دهند.

وی اذعـان کـرد: ما این حرکـت را به عنوان یک قـرارگاه و فعالیت ملی تلقی می‌کنیم. ستاد بسیج دانشجویی در این مناطق مستقر شده و نیروهای خود را آورده و قرارگاهی با عنوان «قرارگاه دانشجویی حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها)» ایجاد شده است که تقسیم کار می‌کند.

غلامزاده همچنین اشاره کرد: هر یک از گروه‌ها عرصه و جغرافیای خاص خود را تحویل می‌گیرند. مشخص می‌شود که برای مثال فلان روستا، فلان دهستان یا فلان دانشگاه باید در یک منطقه فعالیت کند. گروه‌ها نیز بر اساس توانی که دارند، برای ۱۰ روز، ۱۵ روز یا هر مدتی که امکان حضور دارند، در منطقه فعالیت می‌کنند و پس از آن، گروه بعدی جایگزین می‌شود و این روند ادامه پیدا می‌کند.

وی افزود: یکی از نکات اصلی ما در این مناطق این اسـت که به مردم بگوییم ما دانشـجو هستیم و از اسـتان‌های دیگر آمده‌ایم. فارغ از اینکه یک‌سری خدمات ارائه می‌کنیم، این پیام را نیز منتقل می‌کنیم که حضور ما می‌تواند اثری در قلب مردم داشته باشـد. به گزارش فارس، معاون عملیات جهادی سازمان بسیج دانشجویی ادامه داد: شاید کاری که ما بتوانیم در آنجا انجام دهیم، ساختن یک خانه یا دیوار، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی یا انجام فعالیت‌های دیگر باشد، اما پیامی که در قلب مردم اتفاق می‌افتد، مسئله دیگری است. آنها در لبه نبرد قرار دارند، هر شب صدای انفجار می‌شنوند و ممکن است به دلیل تعرض‌هایی که اتفاق می‌افتد، استرس زیادی به آنها وارد شود.

گزارش روز دویست و پنجم جنگ

اقیانوس هند هم برای آمریکا ناامن می‌شود

دویسـت‌وپنجمین روز جنـگ با بازتاب گفت‌وگوی سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی با شـبکه الجزیره همراه بود. گفت‌وگویی که در آن آقای رضایی قاطعانه و از موضع قدرت به بیان مواضع ایران پرداخته بود. از جمله اینکه: «۷ شـرط ایران برای آغاز هر مذاکره‌ای به دولت آمریکا اعلام شده است. پیام تهران روشن و بدون ابهام است؛ اگر واشنگتن می‌خواهد از مخمصه‌ای که خودساخته خارج شـود و بیش از این در آن گرفتار نشود، راهی جز پذیرش حقوق و شروط ایران ندارد.»

اقیانوس هند هم برای آمریکا ناامن می‌شود

دبیر شورای عالی امنیت ملی همچنین به الجزیره گفت: «اگر جنگی دوباره آغاز شود، کشتی‌های آمریکا در هر نقطه‌ای از اقیانوس هند باشند، هدف حمله قرار خواهند گرفت. ما به این توانمندی‌ها دست یافته‌ایم.» ایشـان همچنین خطاب به کشورهای عربی گفت: «کشورهای عربی باید به‌طور کامل مانع آمریکا شوند و به آن بگویند: شـما حق ندارید از خاک کشورهای ما برای بمباران ایران استفاده کنید.»

علی‌رغـم خبرهایی که از افزایش عبور کشـتی‌ها از تنگـه هرمز حکایت می‌کند امـا این تنگه همچنان مسدود است و عبور و مرور کشتی‌ها در آن به کمترین میزان ممکن رسیده اسـت. روز گذشته رئیس‌جمهور فرانسـه نیز بر مسـدود بودن تنگه هرمز تأکید کرد و حالا گزارش‌های منتشـر شـده از منابع باز اینترنتی نیـز همین ادعـا را تأیید می‌کند. بر اسـاس داده‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، حجم نفت عبوری از تنگه هرمز در سـه‌ماهه دوم سـال ۲۰۲۶ به حدود ۴.۹ میلیون بشـکه در روز رسـیده است؛ رقمی که در مقایسـه با حدود ۲۱.۶ میلیون بشکه در روز شش ماه پیش، کاهش قابل توجهی نشان می‌دهد. ضمن اینکه باید توجه داشت همین مقدار نفت عبوری نیز بعضا با مجوز ایران و بنا بر مناسـبتی که با برخی کشورهای همسایه مانند عراق وجود دارد، از تنگه هرمز عبور کرده است.

انسـداد تنگه هرمز به خوبی توانسـته فشـار جنگ‌افـروزی آمریکا علیه ایران را بر سـاکنان کاخ سفید، حامیان سیاست‌های احمقانه آنها و مردم آمریکا وارد کند. در همین زمینه «کریس هجز»، خبرنگار و نویسنده آمریکایی طی یک مصاحبه اینترنتی گفت: «هرچه تنگـه هرمز برای مـدت طولانی‌تری عملاً مسدود بماند، اقتصاد جهان آسیب‌پذیرتر خواهد شد. ذخایر راهبردی نفت آمریکا اکنون به پایین‌ترین سطح خود از سال ۱۹۸۲ رسیده است اگر این وضعیت در مقطعی حل نشود، قطعاً به یک نقطه بحرانی خواهیم رسید.» این فعال رسـانه‌ای آمریکایی درباره اوضاع نظامـی آمریکا در منطقه نیز به اظهارنظر پرداخت و گفت: «ما از منطقه بیرون رانده شده‌ایم؛ به این معنا که پایگاه‌های ما دیگر کارایی ندارند. و فکر نمی‌کنم این پایگاه‌ها دوباره ساخته شوند، چون در برابر حملات آسیب‌پذیر هستند.»

رکورد قیمت گازوئیل در آمریکا زده شد

«قیمت گازوئیل» همچنان یکی از شـاخص‌های سنجش میزان فشاری است که مقامات آمریکایی در اثر مسدود شـدن تنگه هرمز متحمل می‌شوند. «بن میسـیلاس» یکی دیگر از فعالان رسانه‌ای آمریکا با اشـاره به اینکه قیمت گازوئیل از ابتدای سال تاکنون حدود ۹۰ درصد افزایش یافته و آمریکا وارد فصل اوج تقاضای گازوئیل شده است. گفت: «این بحران در حال گسترش، نتیجه مستقیم جنگ فاجعه‌بار دونالد ترامپ در ایران است. در حال حاضر مناطق متعددی در آمریکا وجود دارد که سـوخت گازوئیـل آن‌ها در حال اتمام است. بخش‌هایی از شمال تگزاس گازوئیل کم آورده‌اند و مناطقـی در اورلاندوی فلوریدا بـا کمبود گازوئیل مواجه‌اند.» طبق گزارش بلومبرگ، قیمت گازوئیل در آمریکا به حدود ۶.۴۰ دلار در هر گالن رسیده و رکورد زده است. افزایش قیمت این سوخت هزینه حمل‌ونقل کالا، مواد غذایی و گرمایش برخی خانه‌ها را در آمریکا بالا می‌برد. بلومبرگ هشدار داده این فشار ممکن است تا زمستان و سال ۲۰۲۷ ادامه پیدا کند.

وقتی نیویورک‌تایمز مچ ترامپ را می‌گیرد

در حالی که مقامـات آمریکایی از جمله دونالد ترامپ سـعی می‌کنند بحران قیمت گازوئیل در این کشور را به جنگ روسیه و اوکراین مرتبط کنند تا به این وسیله از عواقب تصمیم خسارت‌بارشان برای حمله به ایران نزد افکار عمومی آمریکا فرار کنند؛ روز گذشته نشـریه آمریکایی نیویورک‌تایمز گزارشی از «شوک جهانی سوخت» منتشر کرد که نشان می‌داد اگرچه جنگ روسیه و اوکراین هم در افزایش قیمت گازوئیل بی‌تأثیر نیست اما این بحران بیش از هر چیز به دلیل جنگ با ایران و انسداد تنگه هرمز رخ داده است.

این نشـریه در گزارش خود نوشت: «بازار انرژی جهان با همزمانی دو بحران بزرگ درگیر شده است؛ جنـگ در ایران و درگیری روسـیه و اوکراین هر دو عرضه سوخت را تحت فشار قرار داده‌اند، اما تحلیلگران انرژی معتقدند جنگ ایران عامل مهم‌تری در جهش قیمت‌ها بوده است.»

نیویورک‌تایمز در گزارش خود هشـدار داد که: «کارشناسـان انرژی معتقدند مشـخص نیست چه زمانی شـرایط به حالت عادی بازمی‌گردد، زیرا حتی در صورت توقف حملات، زمان بازگشت پالایشگاه‌های آسیب‌دیده به مدار تولید روشن نیست. افزایش قیمت دیزل پیامدهای گسـترده اقتصـادی دارد، زیرا این سوخت در حمل‌ونقل کامیون‌ها، اتوبوس‌ها و تجهیزات کشاورزی نقش اساسـی دارد و کشاورزان در فصل برداشت، فرآوری و انتقال محصولات بیشترین فشار را احساس خواهند کرد.»

جنگ علیه ایران نتیجه معکوس داد

هرچه بیشتر از حماقت آمریکا و رژیم صهیونیستی از حمله به ایران می‌گذرد؛ ناظران بین‌المللی بیش از پیش متوجه ابعاد شکست دشمن آمریکایی- صهیونی می‌شـوند. جنگی که قرار بود ظـرف چند هفته با سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران به پایان برسد نه تنها با گذشت دویست و پنج روز بدون دستیابی به این نتیجه به پایان نرسیده بلکه در موقعیتی قرار گرفته که ایران دست برتر را پیدا کرده و اکنون متجاوزان را تحت فشار گذاشته است. سخنان «اماتزیا بارام»، استاد بازنشسته تاریخ خاورمیانه و مدیر مرکز مطالعات عراق در دانشگاه حیفا یکی از موارد اظهارنظر کارشناسان و ناظران بین‌المللی اسـت که به همین دلیل آمریکا و رژیم صهیونیسـتی را مورد شماتت و سرزنش قرار داده است. آقای بارام معتقد است: «هشدارهای پیش از جنگ نادیده گرفته شـد؛ هرمز بـه محور تقابل ایران و آمریکا تبدیل شـد. ترور (آیت‌الله) خامنه‌ای نتیجه‌ای معکوس به همراه داشـت. این ترور مرکز ثقل جنگ را از پرونده هسـته‌ای، برنامه موشکی و دیگر اختلافات، به مسـئله کنترل مهم‌ترین گذرگاه انرژی جهان منتقل کرد.»

او می‌گوید این پیش‌بینی از قبل وجود داشـت اما مقامـات آمریکایی و اسـرائیلی این تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌ها را نادیده گرفتند: «بسیاری از پیامدهای جنگ، از بسته‌شدن تنگه هرمز و افزایش نقش سپاه در تصمیم‌گیری‌هـا تا ناکامی گزینه‌های مورد تصور برای تغییر حکومت، از پیش در اطلاعات و نشانه‌های علنی قابل مشاهده بود؛ با این حال، آمریکا و اسرائیل این هشـدارها را به اندازه کافی جدی نگرفتند و در نهایـت تنگه هرمز به کانون اصلی رویارویی تهران و واشنگتن تبدیل شد.»

آمریکا و اسرائیل جنگ را با هدف نابودی برنامه هسته‌ای و موشکی ایران آغاز کردند؛ آنها در دستیابی به این هدف ناکام ماندند و پس از واکنش ایران مجبور شدند برای هدف دیگری یعنی باز شدن تنگه هرمز بجنگند، آنها در حالی که از دستیابی به این هدف هم ناکام مانده و مشغول دست و پا زدن با عواقبش هستند با این واقعیت مواجه شده‌اند که یک تنگه دیگر به نام باب‌المندب هم در اختیار مجاهدان یمنی قرار گرفته که هر لحظه به انسـداد نزدیک‌تر می‌شود. اوضاع در دویست و پنجمین روز جنگ اصلا برای آمریکا و رژیم صهیونیستی خوب نیست هر چند که آنها با تبلیغات رسانه‌ای سعی می‌کنند خلاف آن را اثبات کنند.

تروریست اجاره‌ای نتانیاهو دست به دامان حامیان صهیونیست ترامپ

دیدار ربع پهلوی با اسکیپ هیتزیگ، با توجه به جایگاه این کشـیش در جریان اوانجلیسـم آمریکا، نشان می‌دهد که ضدانقلاب تلاش دارند حمایت گروه‌های مختلـف رادیکال در خارج از ایران را جلب کنند.

اسکیپ هیتزیگ، کشیش ارشد و بنیان‌گذار کلیسای کالوری، در شـهر فرانکلین ایالت تنسی، با ربع پهلوی دیدار و گفت‌وگو کرد.

خبر این دیدار از طریق حساب‌های کاربری رسمی این چهره آمریکایی منتشر شد و محورهای اعلام‌شده آن شامل موضوعاتی مانند وضعیت حقوق بشر و شرایط اقلیت‌های مسیحی در ایران بود.

بر اساس روایت منتشرشده از سوی هیتزیگ، رضا پهلوی در این گفت‌وگو با اشاره به وضعیت سیاسی ایران، خبر از تحولاتی سیاسی در آینده داده است.

اما اسکیپ هیتزیگ کیست و چرا ربع پهلوی به دیدار او رفته است؟

اسکیپ هیتزیگ، متولد سال ۱۹۵۵ در کالیفرنیای جنوبی، از چهره‌های شناخته‌شـده جریان اوانجلیسم در ایالات متحـده و بنیان‌گذار کلیسـای کالوری در آلبوکرکی است.

فعالیت مذهبی او از سـال ۱۹۸۲ با آغاز جلسات مطالعات انجیل شروع شد و بعدها به شکل‌گیری یکی از کلیساهای بزرگ مسیحی در آمریکا انجامید. این کلیسا در سال‌های گذشـته به دلیل تعداد بالای مخاطبان و شبکه گسترده رسانه‌ای، در میان ابرکلیساهای آمریکا قرار گرفته است.

هیتزیگ علاوه بر فعالیت کلیسایی، از طریق انتشار کتاب‌ها، برنامه‌های رسانه‌ای و سخنرانی‌های مذهبی، نفوذ خود را در میان بخش‌هایی از جامعه اوانجلیسـت آمریکا گسترش داده است.

دیدگاه‌های آخرالزمانی و حمایت از اسرائیل

بخش مهمی از تفکـرات الهیاتی هیتزیگ بر پایه مکتب تدبیرگرایی و تفسیر تحت‌اللفظی کتاب مقدس قـرار دارد. در ایـن چارچوب، او بر این باور اسـت که وعده‌های کتاب مقدس درباره سرزمین مقدس همچنان معتبر است و تشکیل دولت رژیم صهیونیستی را تحقق بخشی از این وعده‌ها می‌داند.

هیتزیـگ معتقـد اسـت تجمـع یهودیـان در سرزمین‌های اشـغالی بخشـی از برنامه الهی است و دیدگاهی را که کلیسا را جایگزین قوم اسرائیل می‌داند، رد می‌کند. او همچنین تحولات خاورمیانه را در چارچوب پیشگویی‌های کتاب مقدس، به‌ویژه بخش‌هایی از کتاب حزقیال، تحلیل می‌کند و وقوع درگیری‌های گسترده علیه رژیم صهیونیستی را بخشی از روندهای آخرالزمانی می‌داند.

هیتزیگ در کنار فعالیت مذهبی، مواضع سیاسی مشخصی درباره خاورمیانه دارد و از حامیان سرسخت رژیم صهیونیستی شـناخته می‌شود. او حملات هفتم اکتبر ۲۰۲۳ را محکوم کرده و بر حمایت از یهودیان و دولت رژیم صهیونیستی تأکید کرده است.

این کشیش آمریکایی تاکنون سفرهای متعددی به مناطق اشغالی داشته و برنامه‌های مذهبی و مطالعاتی مختلفی را برای مسـیحیان در این کشور برگزار کرده است. در این سفرها، فعالیت‌هایی مانند برگزاری مراسم مذهبی در اماکن مقدس مسـیحی و یهودی، بازدید از مناطق تاریخی و آشنایی با روایت‌های مذهبی مرتبط با سرزمین‌های اشغالی انجام می‌شود.

ارتباط دونالد ترامپ با صهیونیسم مسیحی و گرایش سیاسی رضا پهلوی به این جریان صهیونیسم مسیحی جریانی است که در میان بخش‌هایی از مسیحیان انجیلی (اوانجلیکال) آمریکا و غرب ریشه دارد. این باور بر تفسیر تحت‌اللفظی برخی آیات عهد عتیق و عهد جدید استوار است و تشکیل دولت مدرن اسرائیل را تحقق وعده‌های الهی درباره بازگشت قوم یهود به سرزمین موعود می‌داند.

بسـیاری از پیـروان ایـن دیـدگاه معتقدنـد حمایت از اسـرائیل نه‌تنها یـک وظیفه مذهبی، بلکه پیش‌شـرط رویدادهای آخرالزمانی و بازگشـت دوباره مسـیح اسـت. این جریـان از دهه‌هـای پایانی قرن بیسـتم، به‌ویژه پس از تأسـیس سـازمان‌هایی مانند Christians United for Israel (CUFI) بـه رهبری جان هیجی، به یک نیروی سیاسـی تأثیرگذار در ایالات متحده تبدیل شده است.

دونالد ترامپ از ابتدای ورود به عرصه سیاست ملی آمریکا، حمایت گسـترده رأی‌دهندگان سفیدپوسـت انجیلی را جلب کرد. طبق نظرسنجی‌ها، حدود ۸۰ درصد این گروه در انتخابات ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ به او رأی دادند. این حمایت صرفاً بر اساس سیاست‌های داخلی مانند مخالفت با سقط جنین یا دفاع از آزادی مذهبی نبود؛ سیاست‌های خاورمیانه‌ای ترامپ نیز نقش مهمی ایفا کرد.

در دوره اول ریاست‌جمهوری، ترامپ سفارت آمریکا را از تل‌آویو به اورشلیم منتقل کرد، حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان را به رسـمیت شناخت و توافق‌های ابراهیم را پیش برد. خود ترامپ در سـخنرانی‌ها اعلام کرد که انتقال سفارت «بیشتر برای انجیلی‌ها» بوده و آن‌ها بیش از یهودیان از این تصمیم استقبال کرده‌اند.

مشـاوران و مقامات نزدیک بـه او نیز پیوندهای روشنی با صهیونیسم مسیحی داشتند؛ به‌عنوان مثال، مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور، مایک هاکابی (که بعداً سفیر رژیم اسـرائیل شد)، پائولا وایت، مشاور معنوی، و شـخصیت‌هایی مانند جان هیجی. هاکابی، کشیش باپتیست و مدافع سرسخت اسرائیل، بارها از سیاست‌های ترامپ دفاع کرده است.

در دوره دوم نیز این پیوند تقویت شده است. انتصاب هاکابی به‌عنوان سـفیر، حضور پررنگ رهبران انجیلی در کاخ سـفید و فشـار برخی از آن‌ها برای به‌رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل بر کرانه باختری (با نام‌های کتاب مقدسـی یهودا و سـامره) نشان‌دهنده نفوذ این جریان است. صهیونیسم مسیحی برای ترامپ هم پایگاه انتخاباتی قدرتمند و هم چارچـوب ایدئولوژیک برای سیاست خارجی فراهم کرده است؛ هرچند انگیزه‌های ترامپ بیشـتر عملی و سیاسـی (حمایـت از متحد استراتژیک، فشار بر ایران و کسب رضایت رأی‌دهندگان) به نظر می‌رسد تا باور عمیق الهیاتی شخصی است.

پیوند دیدار با جریان‌های سیاسی و مذهبی آمریکا

دیدار رضا ربع پهلوی با اسکیپ هیتزیگ، با توجه به جایگاه این کشیش در جریان اوانجلیسم آمریکا و ارتباط او با گفتمان صهیونیسم مسیحی، مورد توجه است. این دیدار نشان می‌دهد که ضدانقلاب تلاش دارند حمایت گروه‌های مختلف رادیکال سیاسی، مذهبی و اجتماعی در خارج از ایران را جلب کنند.

در واقع محاسبات سلطنت‌طلبان از این ارتباطات روی این اصل پیش می‌رود که از پایگاه این جریان‌های رادیکال برای پل زدن با ترامپ استفاده کنند؛ ضدانقلاب از جنگ ۱۲روزه به این سـو با بی‌اعتنایی شدید ترامپ روبه‌رو شده و افرادی چون رضا پهلوی در تلاش هستند از خاصیت صهیونیسم مسیحی برای احیای رابطه خود با ترامپ استفاده کرده و در واقع برای خود واسطه ارتباطی جدید بتراشند.

البته ارتباط ترامپ با صهیونیسـم مسیحی عمدتاً بر پایه منافع انتخاباتی و اسـتراتژیک است؛ انجیلی‌ها پایگاه وفادار او هستند و حمایت بی‌قیدوشرط از اسرائیل با جهان‌بینی بسـیاری از آن‌ها همخوانی دارد. اقدامات ترامپ در اورشلیم، جولان و فشار بر ایران این پیوند را تقویت کرده است. به گزارش مشرق، رضا پهلوی نیز از این فضا بهره برده و با سفر به مناطق اشغالی؛ تأکید بر میراث کوروش و همسـویی علنی با سیاست‌های رژیم اسرائیل و حامیان آمریکایی آن، خود را به‌عنوان جایگزین بالقوه رژیم معرفی کرده است.

این گرایش بیش از آنکه ناشـی از پذیرش الهیات صهیونیسم مسیحی باشد، محصول محاسبه سیاسی برای کسب حمایت خارجی است؛ اپوزیسیون به دلیل نداشتن پایگاه اجتماعی در داخل، این روزها دسـت به سمت رادیکال‌ترین لایه‌های ضدایرانی در خارج از کشور برده اسـت؛ صهیونیسم مسیحی مداری دارد که ربع پهلوی را به سوی خود جلب کرده است!

تناقض آشکار میان ادعای دفاع از اهل سنت و کارنامه گروه‌های تروریستی

ترور روحانی اهل سنت در زاهدان، بار دیگر ادعای گروه‌های مسلح درباره دفاع از اهل سنت را زیر سؤال برد؛ اگر مدعی دفاع از اهل سنت هستند، چرا علمای اهل سنت را هدف قرار می‌دهند؟!

ترور مولوی یوسـف گرگیج، روحانی اهل سنت در زاهدان، بار دیگر موضوع امنیت سیسـتان و بلوچستان و فعالیت گروه‌های مسـلح در جنوب شرق کشور را در کانون توجه قرار داده اسـت، حادثه‌ای که از یک‌سـو با واکنش فرمانده کل سـپاه و تأکید او بر «انتقام» همراه شـد و از سوی دیگر، پرسشی قدیمی را دوباره برجسته کرد: گروه‌هایی که با ادعای دفاع از حقوق اهل سـنت و مردم بلوچ دسـت به عملیات مسلحانه می‌زنند، چرا در عمل خودِ روحانیون، نیروهای بومی و شـهروندان اهل سنت را هدف قرار می‌دهند؟

مولوی یوسف گرگیج، از علمای اهل سنت زاهدان، در حمله افراد مسلح هدف قرار گرفت و به شهادت رسید. این حادثه در شرایطی رخ داد که سیستان و بلوچستان طی سال‌های گذشته یکی از کانون‌های فعالیت گروه‌های مسلح و عملیات تروریستی بوده و موضوع حفظ امنیت و جلوگیری از شـکل‌گیری شکاف‌های قومی و مذهبی، همواره در زمره مسائل مهم این منطقه قرار داشته است.

در پی این حادثه، سرلشکر احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با صدور پیامی خطاب به خانواده مولوی شهید یوسف گرگیج و مردم سیستان و بلوچستان، ضمن تسلیت شهادت این روحانی، ترور وی را اقدامی از سوی «تروریست‌های مزدور» دانست.

وحیدی در این پیام با اشاره به آنچه «استیصال آمریکا و رژیم صهیونی» خواند، تصریح کرد که این ترور را نشانه شکست آنان در برابر مردم سیستان و بلوچستان می‌داند.

فرمانده کل سپاه همچنین با تأکید بر جایگاه مولوی گرگیج به عنوان روحانی «وحدت‌آفرین»، اعلام کرد که راه او ادامه خواهد یافت و جمهوری اسلامی ایران «انتقام» این اقدام را خواهد گرفت.

یک ترور با ابعادی فراتر از یک حادثه امنیتی

اهمیـت ترور مولوی گرگیج تنها به شـهادت یک شـخصیت مذهبی محدود نمی‌شـود. در اسـتانی که بخش قابل توجهی از جمعیت آن را اهل سـنت تشکیل می‌دهند و مسـئله وحدت میان شیعه و سنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار اسـت، هدف قرار گرفتن یک روحانی اهل سـنت می‌تواند پیامدهایی فراتـر از یک عملیات مسلحانه داشته باشد.

در سال‌های گذشته، گروه‌های مسلح فعال در منطقه بارهـا تلاش کرده‌اند اقدامات خود را با ادبیاتی همچون «دفاع از اهل سنت»، «احقاق حقوق مردم بلوچ» و «مبارزه برای مردم منطقه» توجیه کنند. با این حال، مجموعه‌ای از حوادث تروریستی، یک تناقض قابل تأمل را پیش روی افکار عمومی قرار داده اسـت: بخشی از قربانیان همین حملات، خود از میان مردم اهل سنت و بلوچ بوده‌اند.

این تناقض، زمانی آشکارتر می‌شود که به نمونه‌های ماه‌های اخیر نگاه کنیم.

وقتی قربانی تروریسم، روحانی اهل سنت است

مولوی یوسف گرگیج تنها روحانی اهل سنتی نیست که در ماه‌های اخیر هدف حمله مسلحانه قرار گرفته است. پیش از او، مولوی محمدانور ریگی، امام جمعه اهل سنت میرجاوه، نیز در حمله افراد مسـلح ناشناس هدف قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

تکرار چنین حوادثی این پرسش را مطرح می‌کند که اگر گروهی خود را مدافع اهل سنت می‌داند، هدف قرار دادن روحانیون اهل سنت چه نسبتی با این ادعا دارد؟

این پرسش زمانی جدی‌تر می‌شود که بدانیم در کنار روحانیون، نیروهای بومی و شهروندان بلوچ و اهل سنت نیز در حوادث امنیتی منطقه قربانی شده‌اند.

در یکـی دیگر از حوادث گزارش‌شـده، عبدالرئوف اسـحاقی، از نیروهای بومی اهل سنت منطقه سرباز، در جریان یک حمله تروریسـتی جان خود را از دست داد. همچنین در ایرانشـهر، نورالله نارویی، مأمور بلوچ و اهل سنت پلیس، پس از مجروح شدن در یک حمله مسلحانه به شهادت رسید.

البته درباره هـر یک از این حوادث باید میان وقوع حمله، هویت عاملان و انتسـاب سـازمانی آنان تفکیک قائل شـد. در برخی پرونده‌ها تحقیقات رسمی همچنان تعیین‌کننده نهائی درباره عاملان و طراحان عملیات است. امـا از منظر اجتماعی، اصل ماجرا قابل تأمل اسـت: در زنجیره ناامنی‌های منطقه، مردم محلی و به‌ویژه نیروهای بومی نیز از قربانیان خشونت هستند.

ادعای دفاع از مردم و واقعیت میدان

مسـئله اصلـی در این میان، فاصله میان شـعار و عملکرد است.

گروه‌های مسلحی که خود را مدافع حقوق یک قوم یـا مذهب معرفی می‌کنند، برای اثبات ادعای خود باید در نهایت با عملکردشان سنجیده شوند؛ اینکه چه کسانی هدف عملیات آنها قرار می‌گیرند و نتیجه اقداماتشان برای جامعه‌ای که مدعی دفاع از آن هستند چیست.

اگـر یک روحانی اهل سـنت ترور شـود، اگر یک نیروی بومی بلوچ و اهل سـنت به شهادت برسد یا اگر شـهروندان عادی در نتیجه اقدامات مسلحانه جان خود را از دست بدهند، این پرسش طبیعی شکل می‌گیرد که چگونه می‌توان چنین اقداماتی را با عنوان «دفاع از اهل سنت» توضیح داد؟

در واقع، مردم منطقه بیش از شعار به نتیجه اقدامات نگاه می‌کنند؛ امنیت یا ناامنی، امکان فعالیت اقتصادی، باز بودن مسیرهای ارتباطی، دسترسی به خدمات عمومی و مهم‌تر از همه، امنیت جان و خانواده‌هایشان.

زیرساخت‌هایی که هدف حمله قرار می‌گیرند متعلق به مردم هستند

یکی دیگر از ابعاد قابل توجه فعالیت گروه‌های مسلح، حمله به زیرساخت‌ها و مراکز عمومی است.

تأسیسات برق، مخابرات، راه‌ها، مراکز خدماتی و دیگر زیرساخت‌های عمومی، صرفاً متعلق به دولت یا یک نهاد خاص نیستند؛ این امکانات برای خدمت‌رسانی به مردم ایجاد شده‌اند و مردم سیستان و بلوچستان، اعم از شیعه و سنی، مصرف‌کنندگان اصلی این خدمات هستند.

بنابرایـن، حتی اگر هدف اعلام‌شـده یک عملیات، ضربه زدنِ به یک نهاد حکومتی باشد، پیامد آن می‌تواند مستقیماً متوجه شهروندان شود.

قطع برق، اختلال در ارتباطات، آسیب به مسیرهای مواصلاتی یا تعطیلی مراکز خدماتی، بیش از آنکه زندگی یک مقام یا یک مسئول را مختل کند، زندگی خانواده‌هایی را تحت تأثیر قـرار می‌دهد که در همان منطقه زندگی می‌کنند.

از ایـن منظر، حمله به زیرسـاخت‌های عمومی را نمی‌توان صرفاً یک اقدام نظامی یا امنیتی علیه حاکمیت دانسـت؛ زیرا بخش مهمی از هزینـه آن را مردم عادی پرداخت می‌کنند.

هدف قرار دادن وحدت؛ یک پیامد مهم امنیتی

یکی از مهم‌تریـن پیامدهای چنین حوادثی، خطر آسیب دیدن اعتماد عمومی و وحدت اجتماعی است.

سیستان و بلوچستان از نظر قومی و مذهبی ساختار متنوعی دارد و هر حادثه‌ای که یک شـخصیت مذهبی، قومی یا اجتماعی را هدف قرار دهد، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری سوءبرداشت‌ها و تنش‌های جدید شود.

به همین دلیل، واکنش مسئولان جمهوری اسلامی به ترور مولـوی گرگیج صرفاً یک واکنش امنیتی نبوده اسـت. در پیام فرمانده کل سپاه، در کنار موضوع مقابله با تروریسـم، بر جایگاه ایـن روحانی به عنوان چهره‌ای «وحدت‌آفرین» تأکید شده است.

در واقـع، این اتفاقات گواه آن اسـت که گروه‌های تروریستی تلاش دارند با هدف قرار دادن چهره‌های مؤثر در وحدت شیعه و سنی، فضای اجتماعی منطقه را تحت تأثیر قرار دهند.

در مقابل، تداوم فعالیت‌های تروریستی می‌تواند به ایجاد فضای ناامنی در میان همه شهروندان استان منجر شـود؛ مسـئله‌ای که مرزهای قومی و مذهبی را پشت سـر می‌گذارد و زندگی روزمره مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

چرا «دفاع از اهل سنت» با ترور اهل سنت جمع نمی‌شود؟

پرسش اساسی در پرونده مولوی گرگیج همین است. اگر یک گروه مسلح مدعی است برای دفاع از حقوق اهل سـنت فعالیت می‌کند، بایـد توضیح دهد که ترور یک روحانی اهل سـنت چگونـه در چارچوب این ادعا قابل توجیه است.

اگر ادعای دفاع از مردم بلوچ مطرح می‌شـود، باید پرسید کشته شدن نیروهای بومی بلوچ و ایجاد ناامنی در شهرها چه کمکی به زندگی مردم بلوچ می‌کند؟

و اگـر ادعای مبارزه با حاکمیت مطرح اسـت، باید پرسـید انفجار یا آسـیب زدن به تأسیسات عمومی که مردم منطقه از آن اسـتفاده می‌کنند، چه نتیجه‌ای جز تحمیل هزینه بیشتر بر شهروندان دارد؟

این همان نقطه‌ای اسـت که فاصله میان تبلیغات و واقعیت میدان آشکار می‌شود. شعار می‌تواند از «مردم» سخن بگوید، اما نتیجه عملیات مسلحانه را باید با تعداد قربانیان، میزان خسارت و آثار آن بر زندگی همان مردم سنجید.

پاسخ امنیتی در انتظار عاملان ترور

اکنون مهم‌ترین مطالبه پس از شهادت مولوی گرگیج، شناسایی دقیق عاملان، طراحان و پشتیبانان این عملیات است. سخنان سرلشـکر وحیدی درباره «انتقام» نشان می‌دهد که فرماندهی سـپاه این حادثه را در چارچوب یک پرونده امنیتی مهم ارزیابی می‌کند. با این حال، برای قضاوت دقیق درباره پشت‌پرده عملیات، باید منتظر نتایج تحقیقات و اطلاعات رسمی درباره شبکه عاملان ماند.

در همین حال، تجربه سـال‌های گذشـته نشـان داده اسـت که مقابله صرفاً نظامی با ناامنی، تنها یکی از ابعاد مسئله است. حفظ وحدت اجتماعی، تقویت نقش چهره‌های محلی، تأمین امنیت شهروندان و جلوگیری از تبدیل اختلافات قومی و مذهبی به شکاف اجتماعی نیز در ثبات پایدار منطقه اهمیت دارد.

ترور مولوی یوسف گرگیج، در چنین شرایطی، یک بار دیگر این واقعیت را به رخ می‌کشد که نخستین قربانی ناامنی، خود مردم هسـتند؛ مردمی که گروه‌های مسلح بارها نام آنان را در بیانیه‌ها و شعارهای خود تکرار کرده‌اند.

شاید مهم‌ترین پرسش پیش روی افکار عمومی نیز همین باشد: اگر قرار است از اهل سنت و مردم بلوچ دفاع شود، چرا در نهایت خودِ مردم اهل سنت و بلوچ باید هزینه عملیات تروریستی را بپردازند؟

به گزارش مهر، پاسخ این پرسش را باید نه در شعارها، بلکه در کارنامه عملی جریان‌های مسـلح تروریسـت و پیامد اقدامات آنان برای مردم سیسـتان و بلوچسـتان جست‌وجو کرد.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس:

تصویب الزام استفاده از عنوان «خلیج‌فارس» در معاهدات و مکالمات دریایی

سـخنگوی کمیسـیون امنیت ملی مجلس گفت: این کمیسـیون با تصویب مواد جدیدی از طرح راهبردی تنگه هرمز، استفاده از عنوان کامل «خلیج‌فارس» را در تمامی معاهدات، اسناد رسمی و مکالمات دریایی الزامی کرد.

حسـن قشـقاوی، نماینده رباط کریم و بهارستان در مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار مجلس خبرگزاری فارس، جزئیات مصوبات جلسه عصر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس را تشریح کرد.

وی با اشاره به تصویب مواد جدیدی درخصوص تنگه هرمز اعلام کرد: در جلسه امروز، «ماده ۱۰» مربوط به توسعه زیرساخت‌های ارتباطی در منطقه استراتژیک تنگه هرمز به تصویب رسید.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس در این خصوص گفت: احداث، بهره‌برداری و توسعه زیرساخت‌های شبکه‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات، از جمله شبکه فیبر نوری در محدوده تنگه هرمز، منوط به موافقت مراجع ذی‌صلاح جمهوری اسلامی ایران است.

قشقاوی در ادامه با تبیین روند اجرائی این ماده افزود: برای اجرائی شدن این مصوبه، حداکثر ظرف سـه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن، وزارت دفاع و پشتیبانی با هماهنگی وزارت ارتباطات و فناوری، وزارت راه و شهرسازی و ستاد کل نیروهای مسلح، آیین‌نامه اجرائی این ماده را تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رساند.

وی همچنین به تصویب ماده ۱۲ نیز اشاره کرد و گفت: طبق مصوبه جدید، درج عنوان کامل «خلیج‌فارس» در تمامی مذاکرات، معاهدات، توافقات، انتشـارات، اسناد رسمی و همچنین مکالمات مرتبط با شناورها و ناوگان‌های دریایی، الزامی است.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: در این جلسه «ماده ۱۳» طرح نیز بررسی شد. این ماده بر لزوم اعمال مقررات جمهوری اسلامی در قبال رعایت نشدن ضوابط عبور شناورها از تنگه هرمز تمرکز دارد.

قشقاوی افزود: مباحث مربوط به ماده ۱۳ در دست تکمیل است و پس از نهائی شدن، جزئیات دقیق آن ارائه خواهد شد.

حاجی‌پور:
این منطقه جایگاه دفن آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها خواهد بود

خبر دیگر اینکه، رضا حاجی‌پور، نماینده مردم آمل در مجلس شورای اسلامی در نطق میان‌دستور جلسه علنی روز یکشنبه ۲۹ شهریورماه، با گرامیداشت هفته دفاع مقدس و تبریک آغاز سـال تحصیلی، نسبت به تصمیمات اخیر درباره دانشگاه‌های دولتی شهرستان‌ها انتقاد کرد.

وی خطاب بـه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری گفـت: در دولت یازدهم موضوع تجمیع ۶۴ دانشـگاه دولتی شهرسـتان‌ها با دانشـگاه‌های مرکز استان مطرح شد، اما در آن مقطع مسـعود پزشـکیان، رئیس‌جمهور فعلی، از نمایندگانی بود که برای حفظ اسـتقلال این دانشـگاه‌ها امضا جمع می‌کرد. امروز این پرسـش مطرح است که چرا رئیس کمیسـیون و وزیـر علوم، با وجود عضویت در شـورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبه‌ای را دنبال کرده‌اند که موجب خروج این دانشـگاه‌ها از حالت انتفاع می‌شود؟

حاجی‌پور با اشـاره به دانشـگاه تخصصی فناوری‌های نوین آمل افزود: قرار است این دانشگاه زیرمجموعه اسـتان قرار گیـرد، در حالی که با ایـن تصمیم مخالف هسـتیم. از رئیس و اعضای هیئت‌رئیسه مجلس درخواست می‌کنم طرح استیضاح وزیر علوم را هرچه سـریع‌تر به کمیسیون تخصصی ارجاع دهند تا زمینه بررسی آن در صحن علنی فراهم شـود، چراکه عملکـرد وزارت علوم با انتقاد نمایندگان مواجه است.

نماینده مردم آمل سپس با تقدیر از حضور مردم در صحنه اظهار کرد: ملت ایران بیش از ۲۰۰ شـب در خیابان‌ها پای انقلاب ایسـتادند و در طول ۴۷ سال گذشته و همچنین جنگ اخیر، با تبعیت از امام و رهبر خود از کشور و نظام دفاع کردند.

وی تصریـح کـرد: مردم ایـران به دنیا نشـان دادنـد که اسـتکبار جهانی و صهیونیسـت‌ها تا امـروز هیچ غلطی نکرده‌اند و هیچ غلطی هـم نخواهند کرد. آنها در منطقه گرفتار شـده‌اند و این‌جا جایگاه دفن آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها خواهد بود.

حاجی‌پور در ادامه با انتقاد از وضعیت اقتصادی کشور گفت: در طول هشت سال جنگ تحمیلی نخسـت، افزایش قیمت کالاها به شـکل امروز نبود، اما اکنون تورم، اجاره‌بها و قیمت کالاها روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کند و در مقابل، حقوق مردم متناسب با هزینه‌های زندگی افزایش نمی‌یابد.

وی افزود: هرگونه تصمیم درباره حقوق بازنشستگان، حقوق‌بگیران و سایر اقشار بایـد بر مبنای تورم اتخاذ شـود. از رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و رئیس‌مجلس می‌خواهـم از مهـر ۱۴۰۵ تا مهـر ۱۴۰۶ برنامـه‌ای برای تثبیت قیمـت کالاها، اجاره‌بهـا، نهاده‌هـا و مواد اولیه اجرا کنند و مسـئولیت امور را بـه افراد متخصص بسـپارند. نماینده مردم آمل ادامه داد: صنعتگران کشـور توانایی اداره حوزه خود را دارند و باید از ظرفیت آنان اسـتفاده شود؛ دولت نیز باید از بنگاه‌داری و تصدی‌گری غیرضروری فاصله بگیرد.

وی در پایان خطاب به رئیس‌جمهور و با اشـاره به شعارهای انتخاباتی وی گفت: مردم در سخت‌ترین شرایط جنگ نیز پای نظام ایستادند و در برابر ابرقدرت‌ها مقاومت کردند. انتظار می‌رود دولت در برابر مطالبات مردم مسئولانه عمل کند و کشور را به نحوی اداره کند که فشـار تورم و مشکلات اقتصادی، کمر مردم را زیر بار هزینه‌های زندگی خم نکند.

یادداشت روز

این شکستنی‌های گردن نگیر !

ادامه از صفحه ۲

جامعه ما باید جامعه گناه نباشد. گناه باید در جامعه روزبه‌روز کم شود. گناه موجب می‌شود که نتوانیم در مقابل دشـمن بزرگ خودمان -شیطان انس و جن- مقاومت کنیم؛ «اِنّ الّذینَ تَوَلّوا منکُم یَومَ التَقَی الجَمعان اِنّمَا استَزَلّهُمُ الشّیطانُ بِبَعضِ ما کَسَبوا»، یا در آیه‌ی دیگر: «ثُمّ کَانَ عَاقِبَةَ الّذینَ أَسَاءُواْ السّوای أنْ کَذّبُوا بآیَاتِ اَللهِ». عمل بد، به عدم استقامت در میدان منتهی می‌شود. عمل بد، به تغییر باورها منتهی می‌شود. ما تعجب می‌کنیم گاهی اوقات وقتی می‌بینیم عقاید افراد دگرگونی پیدا می‌کند. حالا به عامه مردم و به متن جامعه خیلی کاری ندارم؛ انسان گاهی روی نخبگان نگاه می‌کند، وقتی یک خرده تفحص می‌کند، می‌بیند که مربوط می‌شود به همین آیه شریفه «انّما استَزَلّهُمُ الشّیطانُ بِبَعضِ ما کَسَبوا». یک پوسیدگی در دندان به وجود می‌آید، به آن نمی‌رسـیم، یک وقت می‌بینیم زیر یک چیز سختی دندان شکست؛ می‌فهمیم ظاهر خوبی داشته، اما پوک بوده. انسان یک شکستگی های این‌جوری را مشاهده می‌کند. خب، این‌ها همه‌اش مربوط به فرهنگ است».

۷) پیروزی‌های بزرگ ملت ما در جنگ، دنیا را به حیرت واداشته است. اما می‌تواند ورق برگردد، اگر برخی مدیران، کاهلی کنند، مرعوب یا تطمیع شوند، و یا گرفتار جنگ شـناختی و کج‌فهمی و خطای محاسباتی شده باشند. اینکه برخی مسئولان، امتداد تحرکات دشمن در حوزه‌های رسانه‌ای، سیاسی و اقتصادی را نبینند، یا معبرهای نفوذ و دستکاری را نبینند، خیانتی بزرگ در میانه جنگ تحمیلی است. فرقی هم نمی‌کند نسبت به دستکاری در بازار باشد، یا در قبال بمباران رسانه‌ای، هنجارشکنی سازمان‌یافته و مجال دادن به مهره‌های پیاده دشـمن. مدیران این بخش‌ها باید پاسخگو شوند که چرا با بی‌مبالاتی، اجازه چنین معبرگشایی و دسترسی را به عوامل دشمن می‌دهند تا اقتصاد و امنیت و فرهنگ و افکار عمومی (مقاومت ملت ایران) را زیر ضرب بگیرند؟

۸) دشمن، ذات پلید خود را در یک سال و نیم گذشته نشان داد، اما برخی مدیران و مشاوران و تحلیلگران، به علل مختلف همچنان این دشمنی را نمی‌بینند یا نمی‌خواهند ببینند. اگر نتوانند خباثت دشمن در میدان نظامی و اقتصادی را انکار کنند، اما دشمنی در لایه‌های عمیق‌تر فرهنگی و رسـانه‌ای و سیاسی و دیپلماتیک را کتمان می‌کنند. شهادت امام حسین (ع) به بیداری ولو دیرهنگام تحت عنوان نهضت توابین منتهی شد و شکست نهضت مشروطیت، موجب آن شد که پیشاهنگان بازی‌خورده اذعان کنند «سرکه ریخیم و شراب شد». اما این چه ارتجاع و انحطاطی عمیقی در برخی عناصر سیاسی است که حتی پس از پایمال شدن برجام، دوبار خیانت آمریکا در وسط مذاکرات و تحمیل دو جنگ، نقض آتش‌بس و زیر پا گذاشتن تفاهم‌نامه، و به‌ویژه شهادت چند هزار شهروند ایرانی علی‌الخصوص رهبر انقلاب و دولتمردان و دانشمندان و سرداران والامقام، باز هم عبرت نمی‌گیرند؟

۹) رهبر شـهید انقلاب، ۱۴ اردیبهشـت ۱۳۹۴ در دیدار اعضای سـتاد کنگره بزرگداشت شهدای اسـتان سمنان درباره علت خواب‌زدگی برخی مدیران در مقابل شبیخون فرهنگی فرمودند: «کشور امروز خوشبختانه درگیر جنگ نظامی نیست امّا درگیر جنگ سیاسی است، درگیر جنگ اقتصادی است، درگیر جنگ امنیّتی است و بالاتر از همه، درگیر جنگ فرهنگی است. یعنی این را اگر کسی نداند، خواب خواهد ماند. همین قدر که ندانید دشمن در صدد حمله است و این حمله از کجا و چگونه است، باید مطمئن باشید شکست می‌خورید؛ باید بدانید که دشمن چه کار می‌کند... بعضی ها نمی‌خواهند این را بفهمند، نمی‌خواهند باور کنند، چون اگر چنانچه باور کنند تکلیف به گردن‌شان می‌گذارد؛ بعضی ها هم کشش آن را ندارند. امّا واقعیّت قضیّه این است؛ یعنی امروز هم در زمینه اقتصادی، هم در زمینه فرهنگی، هم در زمینه سیاسی، یک جنگی وجود دارد. «وَ اِنّ اَخَا الحَربِ الاَرِق»؛ کسـی که اهل مبارزه است، بیدار است؛ بعد فرمود: «وَ مَن نامَ لَم یُنَم عَنه»؛ اگر شما در جبهه خوابت بُرد، معنایش این نیست که طرف مقابل هم خوابش برده و او هم غافل است».

محمد ایمانی